

مادر. دختر. خواهر. بمب‌گذار

نوشته‌ی Mia Bloom *

ترجمه: پویا

<http://www.pouyashome.com/pouya2004@gmail.com>

زنی به اسم دانو به انتظار راجیو گاندی نخست‌وزیر پیشین هندوستان ایستاده بود. بیست‌ویکم ماه مه 1991. دانو عینک بزرگی که چهره‌اش را می‌پوشاند به چشم داشت و سبد چوبی تاج گلی را که به دست داشت محکم گرفته بود. برآمدگی شکمش که از زیر لباسش معلوم بود حکایت از حاملگی او می‌کرد. همانطور که گاندی با قدم‌های بلند برای ایراد سخنرانی به سوی جایگاه مخصوص می‌رفت به ابراز احساسات طرفدارانش در کنار فرش قرمز پاسخ می‌داد. او دست‌های دانو را در دستانش گرفت و زن با حالت احترام در پیش پای گاندی زانو زد. دانو با دست راستش چاشنی مواد منفجره‌ای را که با کمربندی به شکمش بسته شده بود فعال کرد و همراه با خودش، گاندی و 16 نفر دیگر را به هلاکت رساند.

بعدا معلوم شد که یک پلیس زن تلاش کرده بود از نزدیک شدن دانو به راجیو گاندی جلوگیری کند ولی گاندی دخالت کرده بود و جمله‌ای تقریباً با این مضمون گفته بود: "آرام باش عزیزم". این احتمالاً آخرین چیزی بود که پیش از کشته شدنش بر زبان آورده بود. (1) دانو تروریستی وابسته به جنبش آزادیبخش بیره‌های تامیل بود. احتمال دارد که گاندی بخاطر در نظر گرفتن جنسیت دانو مسائل امنیتی را جدی نگرفته نبود که اگر اینطور باشد او نه اولین و نه آخرین کسی بود که چنین می‌کرد. حتی با اینکه پس از 11 سپتامبر هوشیاری امنیتی در آمریکا بسیار بالا رفته است، در فرمی که برای موشکافی در درخواست‌های ویزا از سوی وزارت امنیت داخلی تنظیم شده جنسیت زن در نظر گرفته نشده است. (2) بطور سنتی به زنان بیشتر بعنوان قربانی خشونت و نه بعنوان کسی که مرتکب خشونت می‌شود نگریده شده است. امروزه زنان با شرکت در اقدامات تروریستی و بویژه با انجام عملیات انتحاری، بیشتر و بیشتر نقش رهبری را در برخوردها و کشمکش‌های سیاسی بعهده می‌گیرند.

شرکت زنان بعنوان بمب‌گذاران انتحاری پدیده‌ای است که پیش از قتل راجیو گاندی هم وجود داشته است. حزب سوسیالیست ملی سوریه (SSNP) که بعنوان حزبی سکولار و طرفدار دولت سوریه در لبنان فعالیت می‌کند، برای اولین بار یک زن را برای انجام اقدام انتحاری فرستاد. در سال 1985 صنعا مه‌ایدالی دختر 17 ساله لبنانی خودش را در نزدیکی یک ستون نظامی اسرائیلی در لبنان منفجر کرد. از 12 مورد عملیات انتحاری که توسط حزب سوسیالیست ملی سوریه انجام شد، در پنج مورد زنان اجرای عملیات را بعهده داشتند. پس از لبنان در سالهای 1980، پدیده‌ی زنان انتحاری به قسمت‌های دیگر جهان مانند سری‌لانکا، ترکیه، چین و اسرائیل هم سرایت کرد. در مجموع تقریباً 17 گروه شروع به استفاده از روش بمب‌گذاری انتحاری کرده اند که پانزده درصد عملیات را از زنان انجام داده اند. (3)

طبق نظر متخصص تروریسم روان گونار اتنا، حدود 30 درصد حملات تروریستی توسط زنان انجام می‌شود. (4) بیشتر این موارد مربوط به سازمان‌های جدایی‌طلب مانند بیره‌های تامیل و حزب کارگران کردستان (PKK) است. در سال‌های اخیر شرکت زنان در حملات انتحاری بطور وحشتناکی در سازمان‌های با ایدئولوژی دینی هم افزایش پیدا کرده است.

از نظر تاریخی، نقش زنان در درگیری‌ها و برخوردهای نظامی، بیشتر نقش حمایت‌کننده را داشته است. نقش آنها بیشتر زابیدن جنگجویان و بزرگ کردن آنها در یک محیط انقلابی بوده است. ظهور این نقش جدید برای زنان، هویت گذاشته را از میان نبرده ولی آن را دگرگون کرده است. حتی زنانی که شهید شده‌اند ممکن است باز هم بصورت همسران عقیف و پاکدامن و مادران انقلاب تصویر شوند. وقتی که وفا ادریس بعنوان اولین زن انتحاری، در سال 2002 در اسرائیل دست به عملیات زد، یک روزنامه‌ی مصری اینطور از او تقدیر کرد: "عروس آسمان مرگ را به لذات زندگی ترجیح داد تا به این وسیله پیام مهمی را به ملت عرب برساند." (5) در یک سرمقاله‌ی دیگر اینطور آمده بود: "از بطن مریم فرزندی بدنیا آمد که انقیاد را برانداخت، در حالیکه جسم وفا گلوله‌ی افشانی شد که نومیدی را نابود کرد و مایه‌ی امید شد." (6)

زنان بمب‌گذار اغلب بسته‌ی انفجاری خودشان را زیر لباس‌شان به‌گونه‌ای مخفی می‌کنند که مانند زنان حامله جلوه کنند و بدوسیله از ایجاد شک در دیگران جلوگیری کنند. گزارهای پلیس ترکیه درباره‌ی نزدیک شدن به زنانی که باردار به نظر می‌آیند هشدار می‌دهند. تعدادی از زنان وابسته به PKK به این وسیله توانسته‌اند به داخل جمعیت نفوذ کنند چرا که

بدرستی می‌دانسته‌اند که مورد بازرسی دقیق قرار نمی‌گیرند. اسرائیل هم این درس را یاد گرفته است. هنادی جرادت اهل شهر جنین و دانشجوی 19 ساله‌ی رشته‌ی حقوق که در واقعه‌ی بمب‌گذاری انتحاری 19 نفر غیرنظامی را در رستورانی در شهر حیفا به قتل رساند، کمر بند انفجاری خودش را طوری بسته بود که به نظر، زنی حامله جلوه کند. طبق گفته‌ی یک مأمور امنیتی انگلیس: "تروریست‌ها می‌دانند که بازرسی دقیق از زنان و بخصوص زنان مسلمان موضوعی است که حساسیت ایجاد می‌کند و برای همین بعضی گروه‌ها برای انجام عملیات انتحاری از زنان استفاده می‌کنند. پیدا کردن مواد منفجره‌ای که در قسمت‌های خیلی خصوصی بدن پنهان شده است می‌تواند بسیار سخت باشد. (7) یک زن می‌تواند تا حدود 12 کیلو مواد منفجره را در درون بدن خودش پنهان کند. چاشنی انفجاری را که می‌تواند در ساعت مچی، تلفن موبایل یا یک وسیله‌ی برقی دیگر پنهان شود می‌توان بسادگی از ایستگاه‌های بازرسی رد کرد.

استفاده از غیرطبیعی‌ترین شکل برای انجام یک عمل تخریبی، عادی‌ترین روش کار سازمان‌های تروریستی که تحت مراقبت هستند، می‌تواند باشد. تعداد هرچه بیشتری از سازمان‌های نظامی که به استفاده از روش بمب‌گذاری‌های انتحاری روی آورده‌اند نه فقط بخاطر برتری این نوع عملیات بر عملیات چریکی، بلکه بخاطر این بوده است که عملیات انتحاری بخصوص اگر بوسیله‌ی زنان و دختران انجام شود باعث جلب توجه زیاد رسانه‌های محلی و بین‌المللی می‌شود.

عضوگیری این سازمان‌های نظامی از زنان می‌تواند باعث جلب بیشتر مردان برای شرکت در انجام عملیات بشود. این روش شبیه همان روشی است که زنان وابسته به جناح راست‌گرای هندو برای تحریک مردان به‌کار می‌گیرند، با گفتن اینکه: "مثل یک دسته آدم خواجه و آخته نباشید." (8) این توسط خود بمب‌گذاران هم ابراز شده است. یک شعار تبلیغاتی در چین می‌گوید: "جرات و شهامت یک زن موجب ننگ و رسوایی یک مرد است." (9) آیت اکراس پیش از عملیات انتحاری‌اش در سال 2002 در اسرائیل، در یک نوار ویدئویی اینطور گفته بود: "به جای ارتش‌های عرب که در خواب هستند من به جنگ می‌روم تا آنها شاهد این باشند که دختران فلسطینی به تنهایی می‌جنگند." و این کنایه‌ای آشکار به سران کشورهای عربی بود که به طرز موثر و تهاجمی با دشمن اسرائیلی مبارزه نمی‌کنند. (10)

اما چرا این زنان، بمب‌گذار انتحاری می‌شوند؟

دادن مشخصاتی عمومی برای یک بمب‌گذار انتحاری که شامل همه‌ی موارد بشود، گمراه کننده خواهد بود. برخلاف برداشت عمومی مردم، اینها افرادی منزوی و دارای ناهنجاری‌های رفتار اجتماعی و خودبیرانگر نیستند. این افراد، فقیر و متعصب بی‌سواد هم نیستند. روبرت پیپ از دانشگاه شیکاگو می‌گوید: "تصویری که از یک بمب‌گذار انتحاری می‌توان گرفت شبیه فردی است با حساسیت سیاسی، که بیشتر به یک جنبش اجتماعی می‌پیوندد تا اینکه بعنوان یک قاتل حرفه‌ای عمل کند یا وارد فرقه‌های بسته‌ی مذهبی شود." (11)

علاوه بر این، آنها ممکن است دارای احساس بیگانگی نسبت به محیط خودشان باشند، یا در جستجوی تلافی کردن تحقیری که بر آنان یا نزدیکان‌شان رفته است. (تحقیقات ایاد السراج، بنیادگزار و رئیس «برنامه‌ی سلامت روانی اجتماعی در غزه» نشان می‌دهد که بمب‌گذاران انتحاری فلسطینی در آسیب‌های روحی دوران کودکی دارای وجه اشتراک هستند. آسیب‌هایی که بر اثر تحقیر پدرشان بوسیله‌ی سربازان اسرائیلی بوجود آمده است). (12) بمب‌گذاران انتحاری در جوامعی پدید می‌آیند که قربانی کردن خود برای امری مقدس را می‌ستایند. بمب‌گذاران انتحاری بندرت به تنهایی و با خودشان کار می‌کنند. آنها بوسیله‌ی سازمان‌هایی که بخواهند از احساس و تمایل آنها بهره‌برداری کنند به عضویت گرفته می‌شوند و این سازمان‌ها بصورت خانوادگی آنها در می‌آیند.

همین مشخصات، البته با طیفی از تجربیات و موقعیت‌های منحصر بفردها هر شخص، در مورد زنان انتحاری هم وجود دارد. در سری‌لانکا، مانگالیکا سیلوا مدیر «زنان برای صلح» در کلمبو چنین مشاهده کرده است: "خودقربانی شدن برای زنان انتحاری، بسط و گسترش «مادر بودن» در فرهنگ تامیل است. در جامعه‌ای چنین پدیده‌ی مادران تامیل روزانه به صورت‌های مختلف خودشان را برای فرزندان پسر قربانی می‌کنند: فرزندان پسر را پیش از فرزند دختر غذا می‌دهند، به آنها در امور روزانه خدمت می‌کنند و مانند اینها." (13)

شنیده‌ها ثابت می‌کنند که بسیاری از زنان انتحاری بوسیله‌ی دولتی‌ها یا مبارزین دیگر مورد تجاوز یا سوءاستفاده‌ی جنسی قرار گرفته‌اند. همین احساسی از تحقیر و ناتوانی را در آنها بوجود می‌آورد که بدنامی و قضاوت‌های محیطشان هم کار را دشوارتر می‌کند. آنها همچنین می‌توانند بدنبال انتقام‌گیری برای از دست دادن یک عضو خانواده یا حفظ نام و آبروی خانواده باشند. این زنان که قانع به نقشی که برای آنها بطور سنتی طرح شده (یک ناظر بی‌عمل یا زاینده‌ی پشتیبان) نیستند، می‌خواهند به جامعه‌ی خودشان ثابت کنند که آنها هم به اندازه‌ی همراهان مرد خود توانایی و شایستگی این را دارند که نقش حیاتی و کلیدی را در راه هدف بازی کنند. کلارا بایر، یک پژوهشگر «انپستیتوی سیاست

بین‌المللی برای مقابله با تروریسم در اسرائیل» با هوشیاری می‌گوید: وقتی که زنان تبدیل به بمب‌های انسانی می‌شوند، قصد آنها نه تنها اقدامی برای وطن، دین و یا رهبر، بلکه اقدامی برای اعلام جنسیت‌شان هم هست." (14)

دختران انقلاب

گروه‌های درگیر و سازمان‌های تروریستی سالهاست که راهی را برای زنان و پیشرفت آنها فرای آن چیزی که در جوامع سنتی‌شان امکان‌پذیر است، گشوده‌اند. زنان از سال‌های 1960 در سازمان‌های سکولار رادیکال کشورهای در حال رشد به مبارزه‌ی انقلابی و ضداستعماری مشغول بوده‌اند. آنها در یک سری از جنبش‌های انقلابی نقش پشتیبانی حیاتی داشته‌اند: انقلاب الجزایر (1958-1962)، انقلاب ایران (1979)، جنگ لبنان (1982)، اولین انتفاضه‌ی فلسطین (1987-1991) و انتفاضه‌ی الاقصی (از سال 2000). (15)

تروریست‌های زن از کشورهای مختلف جهان بوده‌اند: بریگاد سرخ ایتالیا، بادر ماینهوف آلمان غربی، پلنگ‌های سیاه آمریکا و ارتش سرخ ژاپن. در برخی موارد زنان نقش رهبری این سازمان‌ها را داشته‌اند. زنان حتی در خطوط مقدم جبهه هم ایفای نقش کرده‌اند و نشان داده‌اند که جانفشانی و همت‌شان چیزی کمتر از مردان نیست. بعنوان مثال ببرهای تامیل واحدهای جنگی مخصوص برای زنان دارند. تعداد کمی هم از زنان فلسطینی بوده‌اند که بخاطر کارهایی که کرده‌اند نامشان معروف شده است. لیلا خالد پس از اقدام برای ربودن هواپیمای آل اسراییلی در پرواز به لندن، دستگیر شد. همانطور که روزنامه‌نگار آیلین مک‌دونالد می‌گوید: "لیلا خالد یک‌شنبه میلیون‌ها تابو در مورد زنان را در سراسر جهان شکست و انقلابی در طرز فکر صدها زن جوان خشمگین بوجود آورد." (16)

لیلا خالد پایه و اساس اعتقادی خود را شرح می‌دهد: "خشونت راهی برای ایجاد توازن در جامعه‌ی پدرسالار از طریق نشان دادن قابلیت‌های انقلابی بود. زنان نشان می‌دادند که پایبندی آنها به تعهدات اجتماعی‌شان به همان اندازه‌ی برادران، پسران و شوهران‌شان است. بصورت راهبردی و هدفمند، زنان در مواردی که مردان سختی بیشتری برای موفقیت داشتند، قادر به کسب برتری بودند. به این خاطر که طرف مقابل تصور می‌کرد زنان افرادی در درجه‌ی دوم، بی‌زبان و خاموش و شاید بی‌سواد و بدون قابلیت‌های طراحی عملیات باشند." (17)

این اواخر این ایده که خشونت مایه‌ی قدرت یافتن زنان است در کرانه‌غربی و نوار غزه در فلسطین پخش شده است. شرکت فعال زنان در عملیات نظامی تاثیر زیادی روی مفاهیم ارزشی جامعه‌ی فلسطین که دارای فرهنگی محدودکننده در مورد مسائل جنسیتی بوده گذاشته است. ارزش‌های حاکم در جامعه‌ی فلسطینی تا این موقع بر جدایی جنسیتی و محدود کردن زنان در حوزه‌ی خصوصی و فضای خانه تاکید داشته است.

با این حال زنان از طریق شرکت در حرکت‌های خشونت‌آمیز توانسته‌اند خودشان را در صف مقدم در کنار مردانی که با آنها رابطه‌ی فامیلی ندارند قرار بدهند. نتیجه‌ی این برای زنان از دو راه عمل می‌کند: ثابت کردن ارزش و اعتبار شرکت‌شان در امور اجتماعی و همچنین تغییر ایده‌آل‌های ارزشی جامعه. (18) سمیه سعدالدین مقاله‌نویس روزنامه‌ی مصری الخبار می‌گوید: "زنان فلسطینی طبقه‌بندی جنسیتی را از شناسنامه‌هایشان بدور انداخته‌اند و اعلام کرده‌اند که قربانی شدن برای وطن فلسطینی تنها مربوط به مردان نیست." در مقابل، "همه‌ی زنان فلسطینی می‌خواهند تاریخ آزادی سرزمین‌شان را با خون خود بنویسند. آنها می‌خواهند بر ضد دشمن اسراییلی تبدیل به بمب ساعتی شوند و نمی‌خواهند تنها مادر شهیدان باشند." (19)

اولین موج زنان فلسطینی که در عملیات نظامی کشته شدند و لقب شهید گرفتند دارای زمینه‌های مختلف اجتماعی بودند: یک کارگر آمبولانس، یک خیاط زنانه، دو دانشجوی کالج، یک دانش‌آموز دبیرستان، یک فارغ‌التحصیل دانشکده‌ی حقوق و یک زن خانهدار که مادر دو بچه بود و بستگانش را در شوک و حیرت باقی گذاشت. (20) بعضی تحلیل‌گران مشخصات مشترکی را میان آنان شناسایی کرده‌اند. این که آنها همگی زنان جوانی ناهماهنگ و نامتجانس با محیط بوده‌اند که به دلایل مختلف اجتماعی "در حالت پریشانی و اضطراب حاد بسر می‌برده‌اند." (21) باریبارا ویکتور که روزنامه‌نگار است با بررسی وضعیت 4 نفر از اولین زنان انتحاری فلسطینی این فرضیه را تایید می‌کند. به نظر او همگی این چهار نفر در شرایطی قرار داشته‌اند که شهادت می‌توانسته راهی باشد که در عین حال "آبرو و حیثیت خانوادگی" از دست‌رفته‌ی آنان را حفظ کند. آبرو و حیثیتی که مسئولیت از دست‌رفتنش به نظر آنان، خودشان بوده‌اند. (22) ادعاهای فراوانی درباره‌ی رژیم ریاشی اولین بمب‌گذار انتحاری حماس که مادر دو فرزند بود مطرح شدند که بر طبق آن، این زن توسط شوهر و همینطور معشوقش به این عمل ناگزیر شده بود تا به این وسیله آبروی آنان را حفظ کرده باشد. (23)

در نقاط دیگر جهان، در جوامع پدرسالار، خشونت جنسی بر علیه زنان و بدنامی اجتماعی که از پس آن برای زن قربانی به بار می‌آید به نظر می‌رسد از عوامل برانگیزنده برای بمب‌گذاران انتحاری باشند. بعنوان مثال زنان کرد وابسته به PKK که توسط نظامیان ترکیه و یا زنان وابسته به ببرهای تامیل که پیش از آن توسط سرویس‌های امنیتی سری‌لانکا مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند. ادعاهایی درباره‌ی دانو- زنی که گاندی را به قتل رساند- وجود دارد که او هم پیش از آن مورد تجاوز جنسی قرار گرفته بوده است. ادعایی که مورد بحث است ولی طبق گزارشات دیگری، مادر او توسط نیروهای پاسدار صلح هندی که از سال 1987 تا 1990 سری‌لانکا را اشغال کرده بودند مورد تجاوز قرار گرفته بود. طبق باور هندو، زنی که مورد تجاوز جنسی قرار بگیرد دیگر نمی‌تواند از دواج کند و صاحب بچه شود. برای چنین زنی جنگیدن در راه رهایی تامیل می‌تواند راهی برای رهایی خودش تلقی بشود. برای دانو، این درگیری و بحران یک بُعد شخصی دیگر هم داشت: پاسداران صلح یکی از برادران او را که از کادرهای ببرهای تامیل بود به قتل رسانده بودند. در این رابطه دانو این تجربه‌ی جوامع در حال درگیری و جنگ را هم باخود داشت: تجربه‌ی از دست دادن عزیزان.

بیشتر حملات جنگجویان چچن توسط "بیوه‌های سیاه‌پوش" انجام می‌شدند که طبق گزارشات می‌خواستند از روس‌ها که مسئول از دست رفتن عزیزانشان در جریان درگیری‌های چچن بودند، انتقام بگیرند. زنان انتحاری در جریان جنگ دوم چچن که از سال 1999 شروع شده است، در بیش از 18 عملیات بزرگ شرکت داشته‌اند و از سال 2000 تبدیل به یک تهدید جدی شده‌اند. اقدامات خشونت‌آمیز قبلی در قفقاز شمالی بیشتر بر ضد هدف‌های نظامی بود. آنها نمی‌خواستند مردم غیرنظامی روس را هدف قرار بدهند. حملات زنان انتحاری باعث تغییر این وضعیت شده است.



ایمران یژیف که در «انجمن دوستی چچن و روسیه» در اینگوشنیا کار می‌کند می‌گوید: «حملات انتحاری پاسخ ناگزیری به «خشن‌ترین و وحشتناک‌ترین» جنایاتی بود که توسط نیروهای روسی بر علیه غیرنظامیان چچن انجام می‌شد. وقتی که سربازان روسی بچه‌ها و غیرنظامیان را می‌کشتند و برای پس دادن جسد آنها پول مطالبه می‌کردند، مردم چچن از روی خشم و غضب قسم می‌خوردند که انتقام عزیزانشان را بگیرند. زنی به نام الویرا که نیروهای روسی پسر 15 ساله‌اش را کشته بودند و برای پس دادن جنازه‌اش 500 دلار مطالبه می‌کردند می‌گفت: بله، حتماً، من می‌خواهم آنها را بکشم. روس‌ها را بکشم، بچه‌هایشان را بکشم. می‌خواهم ببینند که کشتن عزیزان یعنی چه.» (24)



معجزه

در ابتدا رهبران اسلامی با فعالیت زنان مخالفت می‌کردند و اقدام زنان را بعنوان بمب‌گذاران انتحاری ممنوع کرده بودند. تنها عده‌ی کمی از روحانیون اسلامی این عملیات زنان را تایید می‌کردند. شورای عالی اسلامی سعودی از آگوست سال 2001 شرکت زنان را در عملیات انتحاری مجاز دانست. این موقعی بود که نیروهای امنیتی اسرائیلی یک زن 23 ساله‌ی فلسطینی را در جریان حمل مواد منفجره در ایستگاه مرکزی اتوبوس تل‌آویو دستگیر کرده بودند. رهبران مذهبی فلسطینی با این مجاز شمردن عملیات زنان موافق نبودند و موجب بحث‌ها و گفتگوهای مذهبی فراوانی درباره‌ی این شد که آیا زنان می‌توانند و باید به درجه‌ای که شهید نام دارد برسند یا نه (25)

رهبر روحانی پیشین حماس، شیخ احمد یاسین، استدلال می‌کرد که نقش اساسی زنان در درگیری و مبارزه، پشتیبانی از جنگجویان (که مردان هستند) است. طبق نظر یاسین: "در جامعه‌ی فلسطین گرایش از سوی زنان به جهاد و شهادت وجود دارد، درست مثل مردان جوان. ولی زن، موجودی منحصریفر است. اسلام برای زن محدودیت‌هایی قائل شده و اگر زنی بخواهد در عملیات جهادی شرکت کند باید یکی از مردان بعنوان نگهبان همراه او باشد". شیخ یاسین سپس شرکت زنان را باز هم محدودتر کرد ولی نه از نظر شرعی بلکه بخاطر اینکه شرکت زنان در عملیات، غیرضروری تشخیص داده شده بود. "در موقعیت کنونی ما نیازی نداریم که زنان بار جهاد و شهادت را بدوش بکشند. جنبش اسلامی نمی‌تواند تمام مردان فلسطینی را هم که خواستار شرکت در عملیات استشهادی هستند بپذیرد، بخاطر اینکه تعداد آنها بسیار زیاد است. امکانات ما محدود است و نمی‌توانیم همه‌ی آنها را که می‌خواهند با دشمن بجنگند جذب کنیم". (26)

این وضعیت به شکل اخطار دهنده‌ای واقعیت دارد. بیشتر سازمان‌های نظامی در فلسطین امکان پرکردن سریع جا برای عملیات انتحاری را ندارند". (27)

پس از اینکه یک زن انتحاری به نام وفا ادریس خودش را در ژانویه‌ی 2002 در مرکز شهر اورشلیم منفجر کرد، یاسین استفاده از زنان را بعنوان جنگجویان تهاجمی یا بمب‌گذاران انتحاری مورد سرزنش و انتقاد قرار داد. با این حال او در مقابل پشتیبانی عمومی برای عملیات انتحاری زنان و فشار افکار عمومی فلسطینی گامی به عقب نشست. او اعلام کرد که اگر زنی برای انجام عملیات انتحاری باید بیشتر از یک روز و یک شب بیرون باشد، باید توسط یک مرد اسکورت شود ولی اگر عملیات کمتر طول می‌کشد همراه کردن مردی با او ضروری نیست. یاسین حق زن را برای انجام عملیات به تنهایی، اگر کمتر از 24 ساعت طول بکشد، تایید کرد. عجیب است که زن اگر موفق به انجام عملیات شود بسیار بیشتر از 24 ساعت بیرون از خانه‌اش خواهد بود. (28)

با اینکه یاسین خاطر نشان کرد این شاخه‌ی نظامی حماس است که باید تصمیم بگیرد کجا و چه موقع عملیات انتحاری باید صورت بگیرد، نظرات او شامل نقل قول از نوار ویدویی بود که ریاشی (اولین زن انتحاری حماس) پیش از عملیات در ژانویه‌ی 2004 ضبط کرده بود. او در نوار می‌گفت که "امیدوار است اجزای بدن او در فضا پراکنده شود و روح او به بهشت برسد". یاسین اضافه کرد: "این واقعیت که برای اولین بار زنی در عملیات حماس شرکت داشته است موجب دگرگونی بارزی خواهد شد... مردان جنگجوی ما با موانع زیادی در عملیات‌شان روبه‌رو هستند و این (شرکت زنان) پیشرفتی برای مبارزه‌ی ما بر علیه دشمن است. جنگ مقدس وظیفه‌ی مردان و زنان مسلمان است و این عملیات [انتحاری زنان] ثابت می‌کند که مقاومت مسلحانه تا وقتی که دشمن از سرزمین ما رانده شود ادامه خواهد داشت. این انتقام تلفاتیست که مقاومت مسلحانه متحمل شده است." (29)

در حالیکه رهبران مذهبی راه‌هایی را از نظر شرعی برای تأیید شرکت زنان در عملیات انتحاری پیدا کرده‌اند، به نظر می‌رسد که بکارگیری زنان در این نوع عملیات به دیگر گروه‌های اسلامی هم سرایت می‌کند. گروه‌های مربوط به القاعده شروع به استخدام و بکارگیری زنان برای عملیات انتحاری کرده‌اند. یکی از نشانه‌های این موضوع، دستگیری دو زن جوان انتحاری در رباط پایتخت مراکش بود که به سوی هدفشان که یک مغازه‌ی مشروب‌فروشی در حرکت بودند. چند هفته پس از اشغال عراق توسط آمریکا، در 29 مارس 2003، دو زن که یکی از آنها حامله بود عملیات انتحاری را بر علیه نیروهای متولف انجام دادند. تلویزیون الجزیره در چهارم آوریل گزارشی از نوار ویدویی ضبط شده توسط دو زن را نشان داد که در آن می‌گفتند: "ما به رهبر و همقطارمان در جنگ مقدس، به فرماندهی قهرمان صدام حسین می‌گوییم که خواهرانی داری که تو و تاریخ آنها را خواهید ستود." (30)

همچنین در مارس 2003 روزنامه‌ی الشرق الاوسط مصاحبه‌ای را با زنی به نام ام اسامه که ادعا می‌شد رهبر زنان گروه القاعده است منتشر کرد. هسته‌ی القاعده ادعا کرد که این گروه طبق دستور اسامه بن لادن دسته‌هایی از زنان را برای انجام عملیات انتحاری بر علیه آمریکا تشکیل داده است. زنان بمب‌گذار شامل افغان‌ها، عرب‌ها، چین‌ها و دیگر ملیت‌ها هستند. ام اسامه در آن مصاحبه گفت: "ما مشغول تهیه‌ی مقدمات ضربه‌ای هستیم که توسط رهبران‌مان اعلام شده است و من اعلام می‌کنم که این ضربه کاری خواهد کرد که آمریکا حملات 11 سپتامبر را فراموش کند... این ایده‌ی بکارگیری زنان در عملیات انتحاری، از موفقیتی که عملیات زنان فلسطینی در مناطق اشغالی اسرائیل داشته سرچشمه می‌گیرد. درهای سازمان ما به روی تمام زنان مسلمان که خواهان کمک به امت اسلام - بخصوص در چنین شرایط بحرانی- هستند باز است." (31)

نشانه‌ی دیگر تلاش القاعده برای بکارگیری زنان انتشار نوشته‌ای در آگوست 2004 در نشریه‌ی اینترنتی الخانسا بود. نشریه‌ای که توسط گروهی که خود را «دفتر اطلاعات زنان شبه‌جزیره‌ی عربستان» می‌خواند منتشر می‌شود. اولین شماره‌ی این نشریه زنان را به شرکت در جهاد از راه‌های مختلف دعوت می‌کند. این نشریه با انعکاس نقش دوگانه‌ی زنان در مبارزه‌ی مسلحانه بر "نقش زنان در خانواده بعنوان مادر، همسر، خواهر و دختر تاکید می‌کند. زن در جامعه یک آموزگار، مبلغ و یک مجاهد اسلام است. همانطور که او از حریم خانواده در برابر هر تجاوزی دفاع می‌کند، در اجتماع هم از حریم جامعه در برابر افکار مخرب و زوال اخلاقی و ایدئولوژیک دفاع می‌کند. او سربازیست که بار و اسلحه‌ی مردان را در راه آماده شدن برای حمله‌ی نظامی بدوش می‌کشد". با این حال نشریه اضافه می‌کند: "وقتی که جهاد به یک فریضه‌ی شخصی تبدیل می‌شود زن نیز مانند مرد حضور پیدا می‌کند و نیازی به کسب اجازه نه از همسر و نه از قیم خود ندارد، چرا که او برای انجام فریضه‌اش می‌رود. هیچکس برای اجرای حکم خدا که لازم‌الاجراست نیازی به کسب اجازه ندارد." (32)

در واقع برخی، زنان انتحاری را نوعی پاسخ قاطع به تأثیرات فرهنگ منحن غربی می‌دانند، اقدامی که نه در جهت دوباره تعریف کردن نقش سنتی زنان که در جهت تأیید مکرر آن است. یک مقاله‌نویس روزنامه‌ی اردنی الدستور اشاره می‌کند: "زن عرب جایگاه و شان و مقام خود را بازیافته است. این فعالان حقوق‌بشر در غرب هستند که حق زنان را برای انسان بودن از آنان سلب کرده‌اند و به آنها بعنوان جسمی بدون روح نگریسته‌اند... وفا ادريس لوازم آرایش در کیف خودش نداشت، در عوض آنقدر مواد منفجره در کیف داشت تا دشمن را غرق وحشت کند... آیا این غرب نبود که می‌خواست زن شرقی به برابری با مردان برسد؟ خوب، این راهیست که ما برابری را درک می‌کنیم، این راهیست که شهید وفا برابری را می‌فهمید." (33)

با این حال زنانی که برای نشان دادن قدرت‌شان و رسیدن به برابری، خودشان را صورت بمب‌های انسانی در می‌آورند، به جای مقابله با نابرابری‌ها و تابوهای اجتماعی، صرفاً این نابرابری‌ها را تقویت می‌کنند. جوامع سنتی قوانین تثبیت‌شده‌ای دارند که بر طبق آنها زنان خود را قربانی می‌کنند و در جهت یک ایده‌آل مادری خود را نفی می‌کنند و

ناچیز می‌شمارند. زنانی که نقش شهید را می‌پذیرند موقعیت خودشان را بالاتر نمی‌برند بلکه با شرکت در تحکیم نهایی چنین ارزش‌هایی از احساس "خود" بودن صرف‌نظر می‌کنند.

گروه‌های تروریستی تا زمانی که بتوانند برای زنان بعنوان راهی برای خروج از جامعه‌شان عمل کنند و زنان بتوانند بعنوان اعضای برابر حقوق در مبارزه شرکت کنند، به عضوگیری از زنان ادامه خواهند داد. به همین ترتیب، افزایش نقش زنان در فعالیت‌های صلح‌جویانه و توجه به خواسته‌های آنان در زمان صلح و در طول درگیری‌ها و دفاع از حقوق آنان نباید بعنوان مسائلی تلقی شوند که باید بعدها به آنها پرداخت. بهترین راه مبارزه با تروریسم این است که جذابیت پیوستن به آنها را هم برای مردان و هم برای زنان کمتر کرد.

* Mia Bloom دستیار پروفیسور در رشته‌ی علوم سیاسی در دانشگاه سین‌سیناتی است و همچنین بعنوان مشاور برای دفتر مبارزه با تروریسم در نیوجرسی کار می‌کند. او نویسنده‌ی کتاب "مردن برای کشتن" است که در سال 2005 منتشر شده است.

1. "Lady with the Poison Flowers," *Outlook India*, August 29, 2005.
2. Jessica Stern, "When Bombers Are Women," *Washington Post*, December 18, 2003.
3. Yoram Schweitzer, "Suicide Terrorism: Historical Background and Risks for the Future," June 18, 2004 (pbs.org).
4. Rohan Gunaratna, "Suicide Terrorism--A Global Threat," *Jane's Intelligence Review*, October 20, 2000.
5. *Al-Wafd*, February 1, 2002, as cited in *Al-Quds Al-Arabi*, February 2, 2002 (memri.org).
6. Adel Sadeq, *Hadith Al-Medina*, February 5, 2002, as cited in *Al-Quds Al-Arabi*, February 6, 2002 (memri.org).
7. Daniel McGrory, "'She-Bomber' Fears Over Plot for Woman to Blow Up Plane," Times Online, February 21, 2004.
8. Amrita Basu, "Hindu Women's Activism and the Questions It Raises," in Amrita Basu and Patricia Jeffrey (eds.), *Appropriating Gender: Women's Activism and Politicized Religion in South Asia* (London: Routledge, 1997).
9. Dimitri Sudakov, "Shamil Besaev Trains Female Suicide Bombers," *Pravda*, May 15, 2003.
10. Libby Copeland, "Female Suicide Bombers: The New Factor in Mideast's Deadly Equation," *Washington Post*, April 27, 2002.
11. Cited in Cameron Stewart, "Enemy Within," *Australian*, July 16, 2005.
12. Michael Bond, "The Making of a Suicide Bomber," *New Scientist*, May 15, 2004.
13. Quoted in Ana Cutter, "Tamil Tigresses," *Slant: The Magazine of Columbia University's School of International and Public Affairs*, Spring 1998.
14. Clara Beyer, "Messengers of Death: Female Suicide Bombers," February 12, 2003 (ict.org.il/articles/articleDet.cfm?articleid=470).
15. After the Iranian Revolution, the clerical regime created informal cadres of women to fight the war, though the Islamic republic could not bring itself to employ women martyrs. Reuel Marc Gerech, "They Live to Die," *Wall Street Journal*, April 8, 2002.

16. Eileen Macdonald, *Shoot the Women First* (New York: Random House, 1992).
17. Leila Khaled, *My People Shall Live: The Autobiography of a Revolutionary* (London: Hodder and Stoughton, 1973).
18. Lucy Frazier, "Abandon Weeping for Weapons," *Online Journal of Education, Media, and Health: Issue on Terrorism*, August 6, 2002 (nyu.edu/classes/keefer/joe/frazier.html).
19. Samiya Sa'ad Al-Din, *Al-Akhbar*, February 1, 2002.
20. Israel's security forces are aware of more than 20 cases in which women were involved in sabotage activity against Israeli targets. "The Role of Palestinian Women in Suicide Terrorism," January 2003 (mfa.gov.il/mfa/go.asp?MFAH0n210); Copeland, "Female Suicide Bombers."
21. Israeli Security Sources, "Blackmailing Young Women into Suicide Terrorism," February 12, 2002 (mfa.gov.il/mfa/go.asp?MFAH0n2a0).
22. Barbara Victor, *Army of Roses: Inside the World of Palestinian Suicide Bombers* (New York: Rodale Press, 2003).
23. Chris McGreal, "Palestinians Shocked at Use of Suicide Mother," *Guardian*, January 27, 2004.
24. Cited by Owen Matthews, "So Warped by Hate, They Will Kill Anyone to Take Revenge Against Russia," *Daily Mail*, September 4, 2004.
25. Peter Beaumont, "Woman Suicide Bomber Strikes," *Guardian*, January 28, 2002.
26. *Al-Sharq Al-Awsat*, January 31, 2002.
27. Nasra Hassan observed this fact years ago in her article, "An Arsenal of Believers," *New Yorker*, November 2001.
28. *Al-Sharq Al-Awsat*, January 31, 2002; February 2, 2002.
29. Arnon Regular, "Mother of Two Becomes First Female Suicide Bomber for Hamas," *Ha'aretz*, January 15, 2004.
30. Cited by Roman Kupchinsky, in "Smart Bombs with Souls," in *Organized Crime and Terrorism Watch*, April 17, 2003.
31. "Bin Laden Has Set Up Female Suicide Squads: Report," *Arab News*, Dubai, March 13, 2003.
32. Middle East Media Research Institute, "Al-Qa'ida Women's Magazine: Women Must Participate in Jihad," *Special Dispatch Series*, September 7, 2004.
33. *Al-Dustour*, February 5, 2002.

